



ناشرانیده های دموکراتیک خلق افغانستان

شماره (هشتم) پنجشنبه ۱۲ نور ۱۳۴۷ هـ (۲) می ۱۹۶۸ ع

مبارزه عادلانه خلق پښتونستان در راه

حق تعیین سر نوشت

قیام مسلحانه ملی (۱۹۱۹ ع) خلفای دلیر و زحمتکش افغانستان ام از پشتون، بلوچ، تاجیک، اوزبک، هزاره، تر کمن به تسلط مستقیم استعمار کرن پایان داد. ولی بکمال تأسف قسمتی از خلفای پشتون و بلوچ آن طرف خط تحمیلی استعماری دیورند که در راه استقلال خویشی متحداً دو ش بدوش خلفای افغانستان فدا کاریهای پیشماری نموده اند، همچنان در زنجیر بردگی استعمار انگلیس و بعداً تحت ستم طبقه حاکمه استعمار گریبا کستان باقی مانده اند. ازان تاریخ تا کنون جنبش انقلابی رهایی بخش ملی خلفای قهرمان پشتون و بلوچ به صورت پیگیر ادامه دارد.

نیروی تر قیخواه دموکراتیک خلق افغانستان به منابه وظیفه ملی و بین المللی خویش و بر مبنای اصل «حق تعیین سر نوشت ملل تا سر حد جدائی» از این جنبش انقلابی با جدیت تمام پشتیبانی می نماید.

هر کما ملتی بنا بر ستم ملی، سیاست تبعیضی، تفوق طلبی ملی و شوونیسم عظمیت طلبانه ملت ستمگر جاکم، از تأمین عدالت در داخل چو کات یک کشور و دولت معین امید خود را از دست بدهد، آن ملت حق و وظیفه دارد پیکار عادلانه خود را در راه آزادی از ستم ملی، ناسرحد جدایی از ملت ستمگر، آغاز کند. و مقدرات آینده خویش را بر مبنای اصل «حق تعیین سر نوشت ملل» طبق منافع ملی و اکثریت بزرگ خلق زحمتکش، بادر نظر داشتن اصل مبارزه طبقاتی و ترقی اجتماعی تعیین نماید.

خلق قهرمان پشتون و بلوچ از یکدیگر فزون باینطرف در بر این اشغالگران استعماری بر تانیه، دو شادوش خلق کبیر هند در یک جنبه واحد، پیکار نموده و بایش از صدها قیام مسلحانه و داد قریبانهای بی شمار، ضربات مدهشینی به نیروهای متجاوز استعماری در سر زمینهای خود وارد کرده اند، تا بالاخره در نتیجه این مبارزات دلیرانه در سال ۱۹۴۷ طومار امپراطوری بر تانیه از سر زمین هند چیده شد و هند در اثر توطئه استعمار، بر اساس مذهب، به دو قسمت تقسیم شد و دولتی به نام پاکستان، بحیث پایگاهی برای ارتجاع و امپریالیزم در دو جناح شرقی و غربی آن، تشکیل گردید.

ملکین فیودال دشمن عمده

طبقاتی خلق افغانستان

به منظور اینکه توده های عظیم خلق منحرف نگردد و در جنبش دموکراتیک و ملی کشور به سوی هدف غایی به پیروزیهای شکوفان دست یابیم، باید توجه خود را بشناخت دشمن عمده خلق معطوف سازیم. از آنجا که «مبارزه طبقاتی سر - چشمه تکامل جامعه است»، برای تعیین جهت صحیح و اصلی مبارزه باید در نظر داشت که در هر جامعه طبقاتی طبقات اصلی و طبقات فرعی وجود دارند. طبقات اصلی در کشور ما که باشیوه تسلط تو لید در ارتباطند عبارتند از طبقات متخاصم دهقانان و مالکین ارضی (فئودالها).

در افغانستان اساس مناسبات تولید فئودالی را مناسبات مالکیت فئودالی بر وسایل تولید و قبل از هر چیز بر زمین و همچنین تسلط کامل بر دهقانان تشکیل میدهد. به عبارت ساده تر: مناسبات تسلط تولید در کشور، استعمار دهقانان از جانب ملکین فئودال است. درست است که از یکسو شکل فئودال لیزم در کشور ما با اشکال خاص فئودال لیزم اروپای باختری و دیگر کشورها متفاوت است و همچنان در چند دهه اخیر فئودالیزم به تغییرات اساسی دروسایل تولید (جاده ها، بندها، کانالها، فابریکات... و غیره) و ظهور مناسبات سوسیالیستی در شهرها، روستاها و نواح است، معیناً تاکنون در نقاط مختلف کشور مناسبات فئودالی و بقای آن (و همچنان مناسبات قبیله ای) تسلط دارد و تضاد عمده داخلی در جامعه ما میان توده های عظیم دهقانان و ملاکان ارضی (بارتباط اضداد اساسی خلق ما به امپریالیزم) پابرجاست.

در افغانستان طبقه ملکین فئودال با اتحاد تجار بزرگ دلال و بیروکراتها به حیث طبقه حاکمه از لحاظ مابوهی با امپریالیزم وابسته اند که نماینده عقب افتاده ترین و ارتجاعی ترین مناسبات تولیدی در افغانستان میباشند و از رشد نیرو های موله جلو گیری میکنند. طبقه ملکین بزرگ ارضی و متحدین وی دشمنان عمده خلق اند که بهیچوجه با هدفهای جنبش و تغییرات سریع کیفی و بنیادی افغانستان توافق نمیکنند و گروهی از جنبش دموکراتیک و ملی، و ارتجاعی دست راستی افراطی را در کشور تشکیل میدهند. نمایندگان سیاسی این طبقات حاکمه در دولت و محافل حاکمه سیاسی کشور فراوان اند و هم اکنون این گروه ها برای حفظ منافع طبقاتی خود شعوری متشکل میشوند و در تلاش ایجاد سازمانهای سیاسی (احزاب) بخصوص خود میباشند.

وضع مالکیت ارضی در دهات افغانستان:

طبق احصائیه های تخمینی در دهات افغانستان ما لکین سی فیصد نفوس دهات را تشکیل میدهد که از آنجمله: (۱) ملکین بزرگ فئودال دو فیصد که ۴۰ فیصد زمین را مالک اند. (۲) ملکین متوسط مرفه الحال ۸ فیصد که ۳۰ فیصد زمین را در دست دارند. (۳) ملکین کوچک ۲۰ فیصد نفوس که مالک ۲۰ فیصد زمین اند. در کشور ما مالکیت فئودالها بر زمین به اشکال ذیل دیده میشود: مالکیت فئودالهای اصلی محلی و استیلاگر، مالکیت روحانیون بزرگ، مالکیت اشراف و صاحبان حسب و منصب، مالکیت ماموران رشوه خوار (ص ۲)

پیروز باد نهضت جوان و پرافتخار کارگری کشور

روز او لمی، روز بین المللی طبقه کارگر جهان، برای نخستین بار در تاریخ مبارزات سیاسی کشور ما به ابتکار نیروی پیشرو دموکراتیک خلق افغانستان با تظاهرات عظیم و پر شکوه تجلیل شد.

کارگران قهرمان کشور، روشنفکران و عده کثیری از شهریان کابل با شور و شوق بی نظیر در این تظاهرات عظیم اشتراک کردند و فریادهای «زنده باد طبقه جوان کارگر» فضای شهر را به لرزه در آورد.

پرچم: این اقدام قهرمانان کارگران کشور را در بر استعمار و ستم سوسیالیستی و زور گویی طبقات حاکمه مرتجع صمیمانه شادباش میگوید - درود آتشین به اتحاد کارگران، زحمتکش و روشنفکران مترقی کشور.

- پیروز باد وحدت نیروهای دموکراتیک خلق!

گزارش مفصل این تظاهرات در آینده نشر می شود.

توقیف ظالمانه محمد اکرم کارگر بکمال تأسف اطلاع گرفته ایم که شام روز ۱۰ نور ۱۳۴۷ محمد اکرم کارگر شرکت سرویس از طرف پولیس «بجرم» ايراد بیانیته بر آرامگاه محمد عارف فقید، کارگر شرکت سرویس که خبر فوت وی قبلاً نشر گردید، و هم بمنظور جلوگیری از اشتراک وی در مظاهره روز اول هی دستگیر و تحت تحقیق گرفته شد.

پرچم: طبق قانون در راه رها بی محمد اکرم کارگر وطنپرست با جدیت تمام مبارزه خواهد کرد. و این عمل خود سرانه پولیس را جدمحکوم میکند.

بنابر تقاضای پیغم خوانندگان ارجند مبنی بر اینکه باید مضامین پښتون و فارسی پرچم در یک نسخه چاپ شود و همچنان استقبال گرم مردم از نشرات پرچم. این نشریه بعد از این به قطع بزرگتر، مضامین بیشتر و متنوعتر بروز های دوشنبه بخدمت علاقمندان گرامی تقدیم می شود.

مژده

از (ص اول)

مبارزه عادی لانه خلق پښتونستان...

بودند که به حیث محافل حاکم پاکستان، ادامه دهنده سیاست نو استعماری گردیدند و موانع بزرگی در راه نهضت آزادی بخش ملی خلق پښتون و بلوچ ایجاد نمودند.

محافل محاکمه پاکستان برای تحکیم تسلط خود و جلوگیری از نفوذ افکار مترقی، با ایجاد شعارهای دروغین «وحدت اسلامی» و «مسلمانان یک ملت اند»، فجاج بزرگی را مرتکب شدند و دهها واقعه خونین و غیره - انسانی را بوجود آوردند، مانند فاجعه قتل عام چار سده، بمباردهای هوایی و زمینی قراء بید فاع پښتونستان و غیره.

جمعیت ملی و مبارز «سرخیوشان» را که به رهبری زعیب بزرگ و محبوب خود، خان عبدالغفار خان در طرد استعمار از نیم قاره هند و بدست آوردن آزادی آن، قربانیهای عظیمی را متحمل گردیده بود، منحل کرده و رهبران و پیشاهنگان سرسبز ده جریانات سیاسی پښتون و بلوچ را به وحشیانه ترین وجهی حبس، تبعید و اعدام نمودند و بالاخره سیاست ترور و اختناق را به فجعترین شکل آن، در برابر نهضت آزادیخواهی مردم پښتونستان در پیش گرفتند.

زمامداران پاکستان با پیروی از سیاست ستم ملی، پلان ظالمانه «یک - یوت» پاکستان غربی را تطبیق و سرزمین پښتونستان را، بدون در نظر گرفتن آراء مردم آنجا، به ولایت پنجاب ملحق و با این عمل ضد دموکراتیک خود، رشد اقتصادی سیاسی و فرهنگی خلق پښتون و بلوچ را مختنق کردند.

هر نوع حقوق و آزادیهای ابتدائی آنها را که در اثر مبارزات شدید با استعمارگران انگلیسی بدست آورده بودند، زبریا نمودند. و برای حفظ تسلط استعماری و منافع طبقاتی خود با شامل ساختن پاکستان در پیمانهای امپریالیستی سنتو و سینتو پاکستان و سر زمین پښتونستان را به پایگاه نیروهای ارتجاع و امپریالیزم بین المللی بالخصوص امپریالیزم امریکا مبدل ساختند.

هیأت حاکمه پاکستان که از پیشینه ای همه جانبه نظامی، سیاسی و اقتصادی امریکا بر خور دار است، از راه تبلیغات ارتجاعی علیه هر نوع جنبش های مترقی، دموکراتیک و ملی در داخل، و در خارج علیه کشور های صلحدوست فضای بی نهایت متشنج و غبار آلودی را در این گوشه جهان ایجاد کرده است و با تبدیل پاکستان به مرکز تجاوز، توطئه، جاسوسی، سنو تاژ و تحرکات علیه کشور های صلحدوست و همسایه، رقابت های خطرناک تسلیحاتی را به ضرر رشد اقتصادی کشور های روبه انکشاف این منطقه، برپا انداخت. و با این وسیله از هیچ نوع تجاوز و ستم بر خلفهای سر تا سر پاکستان و سر کوبی جنبش آزادی بخش پښتونستان دریغ ننمود. ولی محافل حاکمه سیاسی پاکستان با وجود این همه تشدد و توطئه، نتوانستند مبارزه عادلانه خلق پښتونستان و بلوچ را خاموش سازند، بلکه بر عکس مبارزه آنها عمق و وسعت بیشتری پیدا کرده و تا کنون با اشکال مختلف مسالمت آمیز (ص ۳)

سیاست درهای باز

اقتصاد ناتوان کشور را ناتوانتر میسازد

- ۲ -

حوزه «آزاد» تجارتی

قسمت بیشتر تجارت خارجی ماباکشورهای غیر سو سیالیستی بشکل مبادله آزاد، بر اساس سیاست درهای باز صورت میگیرد و ازین طریق بحساب رنج و دشواریهای اقتصادی ملیونها انسان زحمتکش وطن، مثنی تجار بزرگ دلال و کمپرادور و تجار و نمایندگان های انحصارات خارجی، با همکاری و مزج سرمایه های شان با یکدیگر سود هنگفتی بجیب میزنند و حاصل کار و زحمت مردم را بفرات میبرند.

امیر یالسیس بادیستاری دلال داخلی خود میکوشد که ممالک کم - رشدی چون افغانستان را به تولید چند نوع اموال صادراتی محدود کند و خود هر چه بیشتر اجناس مصرفی خود را به انواع مختلف بفروش برساند و در عوض اسعار بگیرد و هیچگونه تعهدی هم برای خرید اموال ازین کشور ها نداشتن با شد.

هرگاه احصائیه های رسمی تجارت خارجی افغانستان ملاحظه گردد، بروشنی میتوان دریافت که از حجم صادرات ما به کشورهای حوزه آزاد تجارتی از یکسال تا سال دیگر، بنیزان قابل ملاحظه ای کاسته میشود. اما برعکس مقدار واردات از آنکشور ها افزود میگردد. بفرض تصویر بهتر این میلان بجهت کاهش صادرات و افزایش واردات درین نوع مبادله، ارقام و حقایق را تذکار میدهم:

در کتاب تحلیل اوضاع اقتصادی منتشره از طرف وزارت پلان اعتراف میگردد: «صادرات افغانستان (در سال ۱۳۴۵) به حوزه آزاد بمقایسه سال ۱۳۴۴ سقوط نموده است، چنانچه صادرات به انگلستان و جرمنی که مئثلین برجسته حوزه آزاد استند بالترتیب ۱۲ فیصد و ۹ فیصد سقوط نموده است...» در حالیکه بر اساس احصائیه های همین کتاب واردات ما از آلمان غرب در سال ۱۳۴۵ بمقایسه سال ۱۳۴۴ به اندازه ۱۹۵ فیصد افزایش یافته است و همچنین در بین این دو سال در حجم واردات از ایالات متحده امریکا ۸۹۱ فیصد از دیاد بععل آمده و در مقابل سطح صادرات به آنکشور به اندازه ۵۰۱۹ فیصد پائین افتاده است، به این دو رقم توجه فرمائید: در سال ۱۳۴۴ بر طبق احصائیه وزارت تجارت، معادل ۸۷۴ میلیون افغانی اجناس تولیدی از هسپانیه در برابر رقم صفر صادرات به آنکشور وارد وطن ما گردیده است و جایان در مورد خریداری اجناس صادراتی ما خیلی سخاوتمند (۱) بخرج داده و برای اینکه جایش در لست کشور های وارد کننده اموال صادراتی افغانستان خالی نپاشد، مقدار قلیلی کشمش و بادیان به ارزش (۴۰۰) هزار افغانی خریداری کرده و در مقابل میداندیچه اندازه امتنع خود را به اینکشور صادر کرده است؟! معادل (۵۶۰) میلیون افغانی، آنهم چه چیزهایی (۱) در سال ۱۳۴۵ در حجم واردات از جایان بازم ۲۰ فیصد افزودی حاصل گردیده، در حالیکه کمترین صادراتی هم به آنکشور نداشته ایم.

تذکر این نکته لازمی است که: احصائیه های رسمی مربوط بواردات از کشورهای حوزه «آزاد» تجارت، بنابر ترتیب بیجکهای جعلی و

«بقیه صفحه اول»

ملاکین فیودال دشمن عمده...

بزرگ دولت (بیرو کراتها)، مالکیت تجار بزرگ دلال، که همه در شکل باهم متفاوت اند ولی ماهیت همه آنها یکی است و به حیث مالکین ارضی (فیودالها) بشمار میروند و با هم در یک طبقه حاکم شامل اند.

باید خاطر نشان کرد که روابط تولید سرمایه داری در دهات افغانستان ناچیز میباشد. سرمایه داری از آنجمله تجارتی و صنعتی عینا مثل مالکین ارضی در دهات خصوصیت فیودالی را جایزند. مستأخران بزرگ (کولاکها)، در کشور رشد نیافته بسیار ضعیف و ناچیزند.

در افغانستان تخمیناً هفتاد فیصد نفوس دهات را به استثنای کوچیان زحمتکشان ده تشکیل میدهند که از آنجمله مزدوران کشاورزی بانیمه پرولتاریا که به شدید ترین نوع استثمار میشوند بیست فیصد، دهقانان اجاره دار و کشتنند و بی بضاعت ۴۰ فیصد، و بیسه روان و شاگردان کارگاههای دستبده فیصد را تشکیل میدهند که با فاقه زمین و بی چیزند و با صاحب یک جریب و دو جریب و سه جریب زمین میباشند و راجع به بزرگی آنها در آینده صحبت خواهیم کرد.

(نفوس کشور در سال ۱۳۴۷ در حدود شانزده میلیون تخمین گردیده که منجمله ۳ میلیون بصورت کوچی، ۱۱۳۷ میلیون در دهات و ۱۲۰۰ میلیون در شهرها زندگی میکنند.)

در افغانستان ۳۹ میلیون جریب زمین تحت زرع میباشد. ماخذ طرح پلان سوم - تخمین در حدود هفتاد فیصد عواید ملی از زراعت تأمین می گردد و ۸۷ فیصد نفوس کارگر کشور مشغول کشاورزی و مالدارانی اند.

اشکال عمده استثمار و مناسبات فیودالی در دهات افغانستان:

مسلم است که مقاصد و اهداف مبارزه مشترک طبقه کارگر و دهقان در کشورهای مختلف متباین است. در کشورهاییکه مناسبات فیودالی باقیای این مناسبات قویا وجود داشته باشد نخستین و مهمترین وظیفه دموکراتیک عبارت است از مبارزه در برابر فیودالیزم، در برابر اشکال استثمار فیودالی دهقانان و عمده ترین اشکال استثمار و

ملاکین فیودال دشمن عمده ...

فوق العاده ابتدایی قرون وسطا بی کشت کنند و عوارض غیر مستقیم و مستقیم (اخذ سورسات) ، عوارض اربا بی و غیره ...) بردارند و انواع کار های بیگاری را برای مالک انجام بدهند.

در حقیقت دهقانان فقیر و اجاره دار و کشتمند و کارگران مزدور زراعتی با تمام اعضای خانواده خویش ظاهراً آزاد ولی مانند سرفه عملا وابسته به زمین هستند.

قروض دایمی و سود فاحش و

(بقیه ص ۲)

مبارزه عاقلانه ...

وقهر آمیز پنهان و آشکار علیه بدترین شکل ارتجاع و استبداد ادامه دارد . و خلق پبنتون و بلوچ در این مبارزه عادلانه خویش از همدردی عمیق خلق شریف پاکستان ، پشتیبانی و تا ئید همه نیرو های انقلابی و صلحدوست جهان به خصوص مردم زحمتکش افغانستان بر خور دارند .

جریان دموکراتیک خلق افغانستان بنا بر ماهیت ضد استبدادی و ضد استعماری خویش و نظر به علائق عمیق تاریخی ای که بین خلق های افغانستان و پبنتو نستان وجود دارد ، حمایت و پشتیبانی از مبارزه عادلانه و جنبش آزادی بخش ملی مردم پبنتون و بلوچ را علیه استعمار و وظیفه ملی و بین المللی خود میدانند و در این راه از هیچ نوع کمک و فداکاری دریغ نمی کند .

حمایه و پشتیبانی ما از مبارزات خلق های پبنتو نستان مبنای محکم اصولی و ریشه عمیق تاریخی دارد و هرگز تابع نوسانات سیاسی درینجا و آنجا نبوده و نخواهد بود . ما زویه سازش کارانه و سیاست عوام فریبانه محافل حاکمه ارتجاعی افغانستان را در مورد جنبش رها یی بخش پبنتو نستان جداً تقبیح می نما ئیم . اکنون ماهیت این «سیاست دفع الوقت» حکومت ها به همه آشکار گردیده و موانعی که در راه تشکیل «حکومت آزاد موقت» پبنتو نستان ایجاد میگردد موجب نگرانی و عدم رضایت کلیه نیرو های مترقی و وطن پرست میباشد .

مبارزه اصولی در راه از بین بردن این موانع و ذهنیت های تنگ نظرانه انحرافی در برابر جنبش آزادی بخش پبنتو نستان که به سود ارتجاع و امپریالیزم و غالباً ناشی از منابع امپریالیستی و ارتجاعی میباشد از وظایف ملی ، دموکراتیک و مترقی جریان دموکراتیک خلق افغانستان است.

(میراکبر خیبر)

«بایه های فئودالی میتواند فقط

تحت فشار جنبش دموکراتیک تمام خلق منهدم شود.

فقط اصلاحات عمیق ارضی و جنبش وسیع دهقانی میتواند بقایای رژیم قرون وسطایی را که سد راه ترقی نیروهای مولده هستند درهم نوردد» ما معتقدیم که در آخرین تحلیل تنها نیروی خلق بر مبنای اتحاد طبقه کارگر و دهقانان به پیشروی و رهبری طبقه کارگر و سازمان پیش آهنگ سیاسی آن قادر است که مناسبات اقتصاد فئودالی و نفوذ سیاسی آنرا براندازد. و دهقانانی را که بالای زمین کار میکنند صاحب زمین گردانند و تغییرات کیفی و بنیادی سیاسی ، اقتصادی ، اجتماعی و فرهنگی را در جامعه بوجود آورد .

از آنچه در بالا بصورت مقدماتی توضیح شد نتیجه گرفته میشود که ملاکین فئودال به اتحاد تاجران بزرگ دلال و بیروکراتها (و همچنان آن قشر روشنفکران که مدافع این طبقات اند) که شعوری یا غیر شعوری با امپریالیزم وابسته اند ، دشمنان عمده خلق و مانع عمده استحکام استقلال ملی ، تعمیم دموکراسی در حیات اجتماعی ، ترقی اجتماعی و پیشرفت جامعه افغانستان در این مرحله تاریخی جنبش دموکراتیک و ملی اند .

یاد داشت :

چون تاکنون در زمینه مناسبات و روابط و سایر خصوصیات نظام فیودالی در جامعه ما متکشف ما تحقیقات و مطالعات علمی و عمیقی صورت نگرفته و احصائیه ها و ارقام دقیق و مطمئن وجود ندارد ، لذا تحقیقات ما درباره مناسبات فیودالی افغانستان روی کلیات و احصائیه های تخمینی استوار است .

بنابران از تمام رفقا ، دوستان و هموطنان ارجمند خواهش میکنیم در هر کجای کشور که هستند تحقیقات ، انتقادات ، معلومات و نظریات خویش را درباره خصوصیات و اشکال استعمار و سیستم فیودالی ما قبل فیودالی و قبیلوی افغانستان به ما ارسال دارند .

سلم کمر شکن ، اکثریت دهقانان را در قید اسارت ملاکان و سود خواران در آورده است . وجود سود ظالمانه در دهات کشور که سالیان دراز دهقان قادر به پرداخت آن نمی شود و به مرور زمان افزود میگردد حتی خانواده های دهاقین را عملاً به بردگی سوق میدهد .

– شیوه استبداد سیاه شرعی محافل حاکمه سیاسی کشور و دستگاه اداری فاسد دولت که بر مبنای مناسبات اقتصادی و اجتماعی فئودالی استوار میباشد ، طوری مستمرا ندر جریان است که همیشه دهقانان را دستخوش هوی و هوس ماموران و افسران محلی حکومت ، قضات ، بولیس و ژاندارم که معمولاً در خدمت ملاکین بزرگ و منتفدین محلی (سردار ها ، خوانین ، اربابها ، روحانیون بزرگ ، باباها ، ملک ها ، میر ها ، بیگ ها ، آقسقالها ... و غیره) هستند ، قرار میدهد .

– یکی دیگر از اشکال استعمار فئودالی همانا عبارت از استعمار تاجران بزرگ دلال و وابسته به امپریالیزم است که از راه خرید و فروش و صدور محصولات زراعتی کشور سوده های فراوان بدست می آورند .

در همین شیوه استعمار است که استعمار امپریالیستی از طریق کمپرادور های داخلی مطرح بحث قرار میگردد .

ما جز اینکه در این همه استعمار شدید و بی رحمانه ، توده های عظیم دهقانان افغانستان در فقر و فاقه بیکران بسر میبرند . نتایج تسلط مناسبات فئودالی در افغانستان عبارت است از : کسر زمین تولیدات زراعتی و قلت غله ، عدم رشد سریع نیرو های تولیدی که محرک ترین و انقلابی ترین جزو تولید است ، عدم رشد صنایع ملی ، عقب ماندگی تکنیک زراعتی ، فقر ، آوارگی جهل و بیماری اکثریت عظیم دهقانان کشور ، سیر صعودی سر شام آور قیمت ها ، عدم استقرار بازار مواد زراعتی ... و غیره .

مسلم است که تا مناسبات و روابط فئودالی در کشور مسلط باشد و هر چه زودتر اصلاحات عمیق اساسی و دموکراتیک ارضی (طبق مرام دموکراتیک خلق) بشیرکت همه دهقانان و به نفع دهقانان اجرا نگردد و تجارت خارجی ملی نشود (در پهلوی دیگر تحولات بنیادی اجتماعی ...) ناممکن است که : زمینه رشد سریع اقتصادی و تامین استقلال اقتصاد برپا تهیه دید کشور را صنعتی ساخته ، نفوذ استعمار نوین و امپریالیزم و تسلط هوا داران ارتجاعی داخلی آنرا طرد کرد و دموکراسی را در کشور تحقق بخشید ، ترقی اجتماعی را تامین کرد و به فقر مردم خاتمه داد .

(بقیه ص ۲)

سیاست درهای باز

سازشهای گمراهی ، غرض گریز از پرداخت محصول ، حتی دو لنت ارقام واقعی را در زمینه هم ارائه کرده نمیتواند ، تاجه رسد به ورود اموال قاچاقی که در قید هیچگونه بند و احصائیه نمی نیست و بازار های سر تاسر کشور را توطئه کرده و آنهم همه اموال کم دوام و بد کیفیت که وجود آنها زیاد است .

اینوضع یکی ازدها شیوه نفوذ استعمار نوین در اقتصاد ناتوان کشور ماست . امپریالیسم بانیرنگهای جدید استعماری و اشکال توطئه آمیز و طرح سیاست به اصطلاح اقتصاد منطقی و تشویق و ترغیب طبقات حاکمه کشور های وابسته بخود (پاکستان ، ایران ...) جهت صدور اموال استهلاکی که غالباً زائیده سرمایه گذارهای انحصارات امپریالیستی در این کشورها میباشد ، سعی میکند تا از طریق نیز در اقتصاد کشور مانفوذ خود را بسط و توسعه دهد . درین مورد مطالب زیادی گفتنی است که در جای خودش مورد بحث قرار خواهد گرفت اما در اخیر این مبحث خاطر نشان میگردد که هرگاه جلو نفوذ اقتصادی استعمار نو گرفته نشود و توریذ بی بند و بار اجناس مصرفی از کشور های امپریالیستی و وابسته به آن که از طریق تجارت مبتنی بر مبادله آزاد که با اغلاتات و اشتهارات رنگین و عوامفریبانه دامنه آن وسیعتر میشود ، محدود نگردد و به سیاست وارداتی درهای باز و قاچاق پایان داده نشود ، افغانستان بزودی به یک مستعمره اقتصادی کشور های شامل حوزه «آزاد» تجارتی و بخصوص دو کشور پاکستان و ایران تبدیل خواهد شد .

(قسمت دیگر این موضوع را در شماره آینده مطالعه فرمایند)

پرچم

شماره آینده بروز دوشنبه نشر میشود .

اشتراک
مرکز : سا لانه ۱۰۰ - افغانی
ولایات و پبنتو نستان : سا لانه ۱۱۰ - افغانی
خارج کشور : سا لانه ۱۰۰ - افغانی
قیمت یک شماره : ۲ - افغانی
۳۸۵۳ پبنتو تجارتی بانک ،

سال تاسیس : حوت ۱۳۴۶
صاحب امتیاز و مدیر مسؤول : سلیمان « لایق »
آدرس : غوثی مارکیت
محمد جانخان واپ
کابل - افغانستان
نمبر حساب جاری جریده :

دولتی مطبوعه

اول ماه می

یا روز همبستگی کارگران جهان

هشتاد و دو سال قبل، بروز اول ماه می ۱۸۸۶، کارگران شهر شیکاگو ایضاح متحده امریکا، بفرض تقلیل ساعات کار و علیه اخراج یک عده از کارگران از کارگاه ها، استعمار بی رحمانه و شرایط طاقت فرسای کار، دست به اعتصاب زدند. ولی دو اثر آتشباری و خشنایانه پولیس، چندین تن از کارگران بطور فجیعی کشته شده و تعداد زیادی هم زخمی گردیدند.

بروز سوم این فاجعه غم انگیز درست در هنگام تدفین کارگران شهید، بار دیگر پولیس به کار - گران حمله برد و در اثر زدو خوردیکه بین آنان صورت گرفت، بیش از سه صد نفر کارگر کشته و زخمی گردید. عده کثیری از کارگران بیگناه را رهسپار زندانها کردند و در نتیجه یک محاکمه دستوری شش نفر از کارگران زندانی محکوم به اعدام شد، که

از آن جمله چهار تن را به چوبه دار بستند. یک سال بعد ازین فاجعه دردناک کارگران اضلاع متحده امریکا دست به اعتصاب وسیعی زدند که بالاتر از ۱۸۸۹ روز اول ماه می، بنا به درخواست کارگران امریکا، از طرف کنکرة بینا لمللی کارگران بحیث روز کارگر برسمیت شناخته شد با آنکه از فاجعه اول ماه می، ۸۲ سال میگذرد هنوز خاطرة نوع ستم آرزو دارد.

آن در قلوب مردان و زنان کار جهان مقام گرامی وارجمندی دارد و هر سال آنرا بحیث روز جشن کارگری باشکوه و عظمت خاصی تجلیل می نمایند.

پرچم: یک بار دیگر جشن ماهی را به کافه کارگران جهان و کشور از صمیم قلب تسبیریک میگوید و موفقیتهای درخشان شانرا در مبارزه علیه استثمار بخاطر رهائی از هر نوع ستم آرزو دارد.

طبقه کارگر به موازات تشکیل اتحادیه های کارگری و صنفی خود، باید به سازمان واحد سیاسی خویش پیوندد.

پیگیر ترین مبارز در راه انجام جنبش دموکراتیک و ملی، در راه نجات خلق افغانستان و ترقی اجتماعی، طبقه کارگر جوان کشور است.

اعتصاب کارگران پیشرو و جنگلک ادامه نهضت کارگری افغانستان است

کارگران زحمتکش فابریکه جنگلک بروز ۷ نور دست با اعتصاب قانونی زدند. یکی از کارگران اظهار داشت: کارگران این فابریک بارها مطالبات خود را بنکار فرمایان فابریک رسانیدند اما بابر خورد ظالمانه آنان مواجه شدند.

کارگران نجیب ودلیز جنگلک بخیر نگار پرچم گفتند که علت عمده اعتصاب شان اینست که تا کنون بمطالبات مبرم روز مسره آنان کوچکترین اعتنایی نشده است. و افزودند که عمده ترین مطالبات کنونی ایشان قرار ذیل است:

اخراج کارگران نساجی گلپهار

میگویند کار فرمایان فابریکه نساجی گلپهار یکده از کارگران را از کار اخراج می نمایند. علت این امر پائین افتادن سطح تولیدات فابریکه و کمبود بخته مورد نیاز می باشد که نتیجه آن علاوه بر اخراج یک عده از کارگران، تقلیل ساعات کار و کم شدن مزد سایر کارگران است.

پرچم: اگر این امر حقیقت داشته باشد، ما آنرا نمونه دیگری از سیاست غلط اقتصادی دولت میدانیم که نتیجه جز آوارگی کارگران محروم کشور ندارد.

- افزایش عادلانه دستمزد.
- تأمین استحقاق سالانه ۷۰ روز رخصتی، مرضی و تفریحی با حقوق برای کارگران.
- تهیه وسائل حمل و نقل کارگر از محل رهائش تا فابریک و بالعکس.
- داخل شدن خانواده کارگر در بیمه صحتی.
- تهیه لباس کار بدون پرداخت پول برای کارگران.
- انتقال پول ذخیره کارگران بپانک و اعاده بامفاد آن بعد از سبکدوش شدن کارگران از کار.
- توزیع کوپون و تأمین رخصتی بعد از ظهر پنجشنبه برای کارگران.
- تاجاییکه جریان این اعتصاب توسط خبرنگار پرچم تعقیب گردید کار فرمایان جنگلک بناسی از حصلت ضد کارگری خود اینبار نیز مطالبات کارگران جوان و ستمکش فابریکه را دفع الوقت کردند و در راه تأمین مطالبات زحمتکشان هیچگونه اقدامی بعمل نیآوردند.

بمناسبت اول ماه می به طبقه جوان کارگر

بیا... بیا ای کارگر، ای درنبرد زندگانی سرد رزم آور و... آبا عصر آفرین نیروی دورانساز عصیا نگر، بجنب از جا!... بجنب از جا، چو موج مست تو فانزا، که خیزد از دل دریا:

غریب انداز و خشم آگین و دیوا نگر، که لرزد پشت دژ خیمان، که غلند کاخ استمگر. دگرگون گردد از بنیاد این نظم ستمگستر!

بیا... بیا ای کارگر، ای بیستاز خلق و جنبش رامین رهبر!... بیا ای هنگامه برپا کن، بر استبداد غوغا کن، بپاشو! شور بشکن بشکن زنجیر بالا کن، بخون کش دیواستعمار، این غفرت غارتگر. که این غول از تو میترسد، نه از آتوم آتشار مرگ آور. تو پرچمدار خلقی و رهائی بخش این کشور.

بیا... بیا ای کارگر، ای درنبرد زندگانی گود رزم آور... آبا عصر آفرین نیروی دورانساز عصیا نگر.

(بارق شفیمی)

- مقامات مسؤل ریاست برق کابل به بهانه نداشتن بودجه کافی (۱) سهمیه کوپراتیف کارکنان فنی (رتبه یک تا رتبه چهار) شرکت را قطع کرده است. در حالیکه معاشات ناچیز کارگران تحت تاثیر صعود سروسام آور قیمتها حتی حد اقل زندگی شانرا تأمین کرده نمی تواند، قطع سهمیه کوپراتیف آنان ببرد شواری های زندگی شان می افزاید.
- پرچم: جدا میخواهد تا به چنین خودسریها که باعث اطلاق حقوق و پریشانی کارگران می شود، خاتمه داده شود.
- تعداد کارگر ۱ نیکه در سال ۱۳۴۶ در امور تولیدی کشور اشتغال داشته اند
- در مؤسسات فعال صنعتی ۲۸ هزار نفر.
- در امور جیولوژیکی و ساختمانی ۸۲ هزار نفر.
- در امور ترانسپورت و مخابرات (بدون ماموران اداری) ۱۵ هزار نفر.
- در صنایع دستی ۲۰۰ هزار نفر.
- در سایر رشته ها (فعالیت های تولیدی در دهات) ۱۰۰ هزار نفر.
- طبق تخمینات اخیر در حدود ۸۰ هزار نفر کارگر ماهر و نیمه ماهر پس از تکمیل پروژه های پلان اول و دوم اقتصادی کشور که از دصمات غرض کار به پروژه های اکتشافی رو آورده بودند، اکنون بیکار اند.

وقتی امکان پذیر خواهد بود که طبقه جوان کارگر افغانستان اتحادیه های دموکراتیک خود را ایجاد نمایند و بهیچ فرد، جریان و نیرویی اجازة در کشور!

فردا: عقرب نشر می شود: آری، فردا با ما لبخواندنی اش.